



۲۰۲۰/۱۰/۱۰

محمد عارف عباسی

## برای رفع مشکلات عظیم وطن ما و مردم آن چه باید کرد؟؟؟

هموطنان معزز و محترم من! با تقدیم سلام و احترام و تمنیات نیک و آرزوی صادقانه قلبی برای رهایی وطنم از این مصیبت و بی سر و سامانی ها. شما تصور کرده نمی توانید که حتی کوتاه ترین جمله شما در چنین مباحث تا چه حد برای افتخار و مسرت آفرین است.. توافق نظر و مخالفت نظر شما هر دو برایم قابل احترام است. من علاقمندی و سهم گیری شما را حاصل پر افتخار زحمت خود در چنین مباحث می بینم. من درب یک مباحثه همگانی را برای رد و بدل افکار و آموختن می گشایم. من خود می آموزم.

اگر در این صفحه می نویسم یا مقاله مبسوطی در وبسایتی می نگارم و یا برنامه هفته وار تلویزیونی دارم که همه دور وطن می چرخد، که البته بدون زحمت، تحقیق و تتبع امکان ندارد، که با وصف تمام تکالیف صحی در طول هفته مصروفم نگه می دارد، که شاکی نبوده در چهار سوق خبرگان فضل نمی فروشم.

ولی ناوقت های شب قبل از این که خواب بر من غلبه کند از خود می پرسم، که :

- ❖ آیا همه این کارها چاره ساز درد های بیکران مردم ما است؟
  - ❖ آیا این زحمات من و دیگر هموطنان مهاجر در دور و بر دنیا تغییری بحال وطن و مردم می آورد؟
  - ❖ آیا این کار ها توجه آن هایی را که باید توجه کنند جلب می کند؟ و سبب اصلاح، تغییر و بهبودی می گردد؟
- و صد ها سؤال دیگر.

اما باید صادقانه اعتراف کرد که ملت بی صدا و مظلوم افغانستان از مایانی که در بیرون هستیم و امکانات وسایل زیادی در اختیار داریم توقعی داشت که با اتخاذ شیوه های مدنی تشکلات و سازمان هایی را بدون دخالت موضوع تو کیستی و از کجایی، زبان و مذهبیت چیست فقط به نام افغان ایجاد می کردیم تا به حیث یک قوه فشار ملی تبارز نموده رسالت های متوقعه مردم خود را صادقانه انجام می دادیم، ولی متأسفانه با گرویدگی در تضادهای گوناگون و با شمول و یا حمایت از حلقات جنایت و فساد بر اساس علایق نا جایز از هم فاصله گرفته نه تنها ده نفری برای خدمت به وطن و هموطنان دور هم جمع نشدیم بلکه تراوشات افکار و اندیشه های ما بدبینی، عقده پروری، خصومت و تشنت بود. در واقعیت به استثنای معاونت های محدود و پراکنده بشری کاری نکردیم که مثمر ثمری باشد و دنیا می دانست که افغانستان فرزندان دراک، هوشیار، با مسؤولیت و با شهامت دارد که صدای مردم خود را بلند نموده و برای احقاق حقوق بر باد شده شان مبارزه می کنند. حتی ما تاریخ را ورق نزدیم که بدانیم که پیش کسوتان در دیگر بلاد چگونه بر مشکلات عظیم وطن شان ناشی از جنگ فائق آمده بحران زدایی نمودند و تعالی، ترقی، انکشاف و

تمدن های جهانی بیشتر محصول اندیشه های اقشار منور، آگاه و دانای آن ممالک بوده که انسانی و عقلانی اندیشیده اند نه قومی، منطوقی و زبانی.

آنانی که به خاطر جنایات بی حد و حصر شان در برابر آدمیت خائن، مجرم و قابل مؤاخذه اند. ما هم بیرون برآمدگان بنا بر غفلت های تاریک بینانه، کج اندیشی ها و اتخاذ روش های خلاف منافع ملی ملامت، محکوم و گنهکاریم و دلیلی برای تیرئه و توجیهی برای این سهل انگاری ما وجود ندارد.



برای رفع مشکلات عظیم وطن و مردم چه باید کرد؟



[برای مطالب دیگر این نویسنده، اینجا کلیک کنید](#)